

آزادی کسب و کار در اقتصاد ایران

مقدمه

امروزه در بسیاری از جنبه های اقتصادی، نهاد ها و سازمان های بین المللی اقدام به محاسبه و انتشار شاخصهایی برای رتبه بندی کشورهای مختلف در زمینه های گوناگون میکنند. یکی از مهمترین این شاخص ها " آزادی اقتصادی " است که توانمندی اقتصاد یک کشور را در عملکرد بخش خصوصی در محیطی عاری از مداخلات بی مورد دولت نشان میدهد. خروجی این شاخص نشان می دهد که اقتصاد یک کشور تا چه میزان به اقتصاد بازار آزاد نزدیک شده است.

آزادی اقتصادی شرایطی است که در آن افراد مادامی که به دنبال معیشت اقتصادی و کسب مالکیت بیشترند، می توانند با اختیار فردی عمل کنند. هر بخشی از شاخص آزادی اقتصادی، در بطن خود، رابطه حیانی میان اشخاص و دولت را داراست. با این وجود، هسته مرکزی آزادی، تضمین حقوق مالکیت افراد جامعه و تأکید بر کوچک بودن دولت و میزان دخالت آن در اقتصاد است.

مطالعات تجربی نشان میدهد شاخص آزادی اقتصادی در ارتباط مستقیم با شاخص هایی چون شاخص توسعه اقتصادی، شاخص توسعه انسانی، شاخص فقر و شاخص توزیع درآمد قرار دارد. شاخص آزادی اقتصادی صورت متمایزی از شاخص آزادی سیاسی و آزاد مدنی است

شاخص های آزادی اقتصادی

شاخص آزادی جهان (WFE)

این شاخص توسط مؤسسه فریز محاسبه و ارایه می شود. این مؤسسه در سال ۱۹۷۴ آغاز به کار کرد و با همکاری اقتصاددانان بزرگی همچون فریدمن، نورث، گر یبکر، برای اولین بار در سال ۱۹۷۵ اقدام به انتشار رتبه کشورها در آزادی اقتصادی کرد. براساس تعریف این مؤسسه، آزادی اقتصادی هنگامی شکل می گیرد که انتخاب شخصی، معاملات اختیاری، رقابت پذیری و امنیت حقوق مالکیت برای افراد آزادانه فراهم باشد. این شاخص از هفت بخش تشکیل شده است که ۵ بخش آن اصلی و ۲ بخش فرعی هستند. مجموع مؤلفه های مورد بررسی در این بخش ها به ۳۷ زیرمؤلفه می رسد که ذیلأ به معرفی آنها اقدام میگردد:

۱- اندازه دولت

در این بخش بر محدود بودن اندازه دولت تأکید شده و افزایش حجم دولت را مترادف با ناکارآمدی، مداخله در تصمیمات بخش خصوصی، ورود فرآیندهای سیاسی به فعالیت های اقتصادی در حوزه های توزیع منابع، کالاها و خدمات می داند. حمایت از مالکیت خصوصی در برابر هرگونه مداخله و بسترسازی تولید کالاهای عمومی حوزه هایی است که دولت باید از بخش خصوصی حمایت کند. دخالت دولت خارج از این حوزه ها به منزله محدود شدن عملکرد بخش خصوصی خواهد بود که در تقابل با آزادی اقتصادی قرار دارد. افزایش مخارج دولت در قیاس با افزایش مخارج بخش خصوصی سبب افزایش انتخاب های دولتی و سیاسی می شود که جایگزین انتخاب های بخش خصوصی است.

مؤلفه های این بخش عبارتند از:

- نسبت مصارف دولتی به کل مصرف اقتصاد؛
- نسبت پرداخت های انتقالی و یارانه ها به تولید ناخالص داخلی؛
- مالکیت دولتی و سرمایه گذاری؛
- بالاترین نرخ نهایی مالیات (نرخ نهایی مالیات بر درآمد و بر دستمزد و حقوق)

۲- ساختار قانونی و امنیت حقوق مالکیت

این بخش مرکزیت و کانون مبحث آزادی اقتصادی است و یکی از مهمترین عملکردهای دولت در اقتصاد به شمار می رود بدون امنیت حقوق مالکیت بخش خصوصی اصولاً بحث از آزادی اقتصادی بی معنا خواهد بود.

مؤلفه های این بخش را می توان به صورت زیر ارایه کرد:

- استقلال قضایی؛
- استقلال دادگاه ها؛
- صیانت از حقوق مالکیت؛
- دخالت نهادهای نظامی در اجرای قانون و فرآیند سیاسی؛
- یکپارچی نظام قانونی؛
- اجرای قانونی قراردادهای

- محدودیت های قانونی بر فروش دارای یهای حقیقی.

۳-دسترسی به پول قوی

پول ابزاری برای تسهیل معاملات است و هرکشوری با پول قدرتمندتر می تواند به افزایش در دریافتی ناشی از معاملات امیدوارتر باشد. به اعتقاد پولیون، تورم ریشه ای پولی دارد و از این رو، افزایش حجم پول منجر به پیدایش تورم و در نهایت محدودیت آزادی اقتصادی می شود. علاوه بر این، با افزایش تورم ضمن ایجاد عدم تعادل در قیمت های نسبی، ارزیابی پروژه های اقتصادی با مشکل روبرو می شود. پول قوی برای حمایت از مالکیت بخش خصوصی بسیار اهمیت دارد. اگر دولت ها برای تامین مالی مخارج خود اقدام به چاپ پول کنند زمینه را برای کاهش ارزش دارایی افراد فراهم آورده اند.

مؤلفه های مورد بررسی در این بخش شامل موارد زیر هستند:

- رشد پول؛
- انحراف معیار تورم؛
- تورم سا لهای اخیر؛
- آزادی داشتن حسا بهای بانکی خارجی.

۴- آزادی تجارت بین المللی

در شاخص آزادی اقتصادی جهان، هرگونه محدودیت های تجاری و بازاری، کاهش آزادی اقتصادی را به همراه دارد. آنچه در دنیای کنونی از اهمیت بالایی برخوردار است پایین ترین هزینه تولید کالاها و خدمات است که سبب میشود. وابستگی اقتصادی کشورها به یکدیگر را افزایش دهد. از این رو، افزایش مبادله با طرف های خارجی در دنیای کنونی از ملزومات به شمار میرود و محدود کردن آن به هر روشی، آزادی اقتصادی را محدود خواهد کرد. محدود کردن تجارت به اشکال مختلف قابلیت تبدیل پول را کاهش میدهد و تجارت بین المللی را محدود میکند.

شاخص های فرعی این زیربخش عبارتند از:

- مالیات بر تجارت بین المللی (درآمدهای ناشی از مالیات بر تجارت، متوسط نرخ تعرفه)؛
- موانع تجاری قانونی (موانع غیرتعرف های واردات، هزینه های واردات و صادرات)؛
- اندازه بخش تجاری در قیاس با اندازه مورد انتظار؛

- نرخ ارز بازار سیاه؛
- کنترل های بازار سرمایه بین المللی (سرمایه گذاریان خارجی و مالکیت های خارجی).

۵- مقررات اعتبارات، بازار کار و کسب و کار

- شاخص آزادی اقتصادی جهان در بخش مقررات، موارد متعددی را شامل می شود که عبارتند از:
- مقررات بازار اعتبار (سهم ملکیت بانک ها، رقابت بانک های خارجی، محدوده اعتبار بخش خصوصی، کنترلهای نرخ بهره و نرخ بهره حقیقی منفی)
 - مقررات بازار کار (مقررات استخدام و حداقل دستمزد، مقررات استخدام و اخراج، اتحادی ههای کارگری، مقررات ساعات کار، هزینه های اخراج کارگر، خدمت دوره ضروری)
 - مقررات کسب و کار (کنترل های قیمتی، ملزومات اداری، هزینه های تشریفات اداری، راه اندازی کسب و کار، رشوه، مجوزها و هزینه اظهارنامه مالیاتی)

شاخص آزادی اقتصادی (IFE)

این شاخص برای نخستین بار در سال ۱۹۸۰ با مشارکت مجله وا لاستریت توسط بنیاد هریتیج منتشر شد. طبق تعریف این مؤسسه، آزادی اقتصادی شرایطی است که در آن مالکیت افراد از هرگونه تعرض و سوءاستفاده دیگران حمایت شود و این افراد بتوانند در بهره برداری، معامله و نق لوانتقال دارای یهای خود آزادانه عمل کنند. این شاخص شامل ۱۰ حوزه جداگانه است که در دامنه ۰ تا ۱۰۰ نمره دهی میشود و امتیاز بالاتر نشا ندهنده آزادی اقتصادی بیشتر است. در مجموع، این شاخص حدود ۵۰ زیر مؤلفه را مورد بررسی قرار میدهد و رتبه آزادی اقتصادی کل یک کشور با میانگین ساده امتیازات در ۱۰ حوزه محاسبه می شود.

یکی از نکات تامل برانگیز در محاسبه این شاخص استفاده از اطلاعات کیفی است که می تواند نتایج حاصل از بررسی ها تحت تأثیر نظرات محاطبان و پرسش شوندگان قرار دهد.

برای بررسی بیشتر در ادامه به بررسی هر یک از این زیربخشها پرداخته شده است:

۱- حقوق مالکیت

این مؤلفه به بررسی انتخاب آزادانه افراد، معاملات اختیاری، رقابت پذیری و امنیت حقوق مالکیت برای آن ها م پردازد ومؤلفه های زیر را شامل می شود:

- حمایت از دارایی های فردی افراد و اقدامات دولت در اجرای آن
- میزان مصادره دارایی ها توسط نظام قضایی؛
- استقلال دستگاه قضایی؛
- فساد در دستگاه قضایی؛
- شرایط قراردادها.

۲- آزادی از فساد

در این بخش به بررسی درجه فساد در یک کشور پرداخته می شود. هرچه میزان فساد افزایش یابد با ایجاد نااطمینانی در فضای اقتصادی، آزادی اقتصادی را محدود میکند. اطلاعات مربوطه از شاخص فساد سازمان شفافیت بین الملل اخذ می شود.

۳- آزادی مالی

مؤلفه ای که نشانگر فشار مالی تحمیلی بر بخش خصوصی از جانب درآمدهای دولت است. هرچه نرخ مالیات و نسبت درآمدهای مالیاتی به تولید ناخالص داخلی پایین تر باشد آزادی مالیاتی و اقتصادی بیشتر است. شاخصهای فرعی شامل موارد زیر هستند:

- بالاترین نرخ مالیات بر درآمد افراد؛
- بالاترین نرخ مالیات بر درآمد شرکت ها؛
- نسبت درآمد مالیاتی به تولید ناخالص داخلی.

۴- مخارج دولت

این مؤلفه سطح مخارج دولت را نسبت به تولید ناخالص داخلی اندازه گیری میکند و کوچک بودن آن نشانه دهنده آزادی بیشتر است. شاخصهای فرعی شامل سهم مخارج دولتی بعنوان درصدی از ناخالص داخلی، مصرف دولتی و پرداخت انتقالی دولت هستند.

۵- آزادی کسب و کار

در این زیر بخش توانایی آغاز، تداوم، تعطیل کردن کسب و کار توسط بخش خصوصی با توجه به محدودیت های قوانین ومقررات مورد توجه قرار م یگیرد.

شاخص های مورد بررسی عبارتند از:

- شروع کسب و کار (تعداد مراحل، مدت زمان مراحل، هزینه، حداقل سرمایه مورد نیاز)؛
- کسب مجوزهای مورد نیاز (تعداد مراحل، مدت زمان مراحل، هزینه)؛
- انحلال شرکت ها (مدت زمان مورد نیاز، هزینه، نرخ بازگشت سرمایه به دلار).

۶- آزادی نیروی کار

این بخش جوانب مختلف بازار کار در یک کشور را مورد بررسی قرار می دهد که در مؤلفه های زیر تبلور می یابد.

- نسبت حداقل دستمزد به متوسط ارزش افزوده هر کارگر؛
- موانع استخدام نیروی کار جدید؛
- انعطاف در ساعات کاری؛
- دشواری اخراج نیروی کار؛
- عملکرد اتحادیه ها؛
- هزین ههای غیردستمزد نیروی کار

۷- آزادی پولی

نشا ندهنده ثبات قیمت و کنترل های قیمتی توسط دولت است. در این بخش به دو شاخص فرعی میانگین تورم در سه سال منتهی و کنترل های قیمتی نظیر پرداخت یارانه ها توجه می شود.

۸- آزادی تجاری

مرکب است از عدم وجود محدودی تهای قیمتی و غیرقیمتی در واردات و صادرات کالاها و خدمات.

شاخصهای فرعی در این بخش عبارتند از:

- میانگین وزنی تعرفه ها در کشور؛
- موانع غیرتعرف های اعم مقداری، قیمتی، تنظیمی و گمرکی.

۹- آزادی سرمایه گذاری

این مؤلفه، سیاست های دولت در ارتباط با جریان ورود سرمایه به کشور را نشان میدهد که دارای اجزای زیرند:

- قوانین سرمایه گذاری؛
- تشویق سرمایه گذاران خارجی توسط دولت با رفتار عادلانه نسبت به سرمایه گذار داخلی؛
- محدودیت دسترسی به ارز خارجی؛
- برخورد یکسان قانون با بنگاههای داخلی و خارجی؛
- محدودیت های دولت بر انتقالات سرمایه؛
- ممنوع شدن سرمایه گذاری بر سرمای هگذاران خارجی به دلیل امنیت ملی.

۱۰- آزادی تامین مالی

این مؤلفه به بررسی کنترل های دولت در امور بانکی و تامین مالی میپردازد.

- گسترش مقررات دولتی در ارتباط با خدمات مالی؛
- دخالت دولت در سیستم بانکی و سایر خدمات مالی؛
- دشواریهای راه اندازی بنگاه های مالی داخلی و خارجی؛
- دخالت دولت در تخصیص اعتبارات؛

از سال ۲۰۰۷ این شاخص بر مبنای امتیاز ۱۰۰ محاسبه شده و امتیاز بالاتر نشانه دهنده درجه آزادی بیشتر است. برای سهولت در تحلی لها و شفافیت بیشتر در جزئیات این ۱۰ حوزه را در ۴ گروه طبقه بندی میکنند که عبارتند از:

- حاکمیت قانون: حقوق مالکیت و آزادی از فساد؛
- دولت محدود: آزادی مالی و مخارج دولت؛
- کارایی مقررات تنظیمی: آزادی کسب و کار، آزادی نیروی کارو آزادی پولی؛
- بازارهای آزاد: آزادی تجاری، آزادی سرمایه گذاری و آزادی تامین مالی.

دلایل پایین بودن شاخص آزادی اقتصادی ایران

طبق گزارش های مؤسسه هریتیج از شاخص آزادی اقتصادی در ایران، از مهمترین دلایل در پایین بودن رتبه ایران در شاخص آزادی اقتصادی پیچیدگیها و هزینه های فرآیندهای کسب و کار است..می توان دشواری این فرآیند را برای فعالانی که قصد ورود به بازاری یا خروج از آن را دارند، به خوبی درک کرد. تعدد بالای مراحل پیش نیاز و پیچیدگی های آن در کنار سطح هزینه ها خود بعنوان مانعی مهم برای رقابت فعالان اقتصادی و مهمتر از آن آزادی اقتصادی به شمار میرود. زیرا، طبق تعریف هر اقدامی که مانع از فعالیت آزاد این بخش شود یا فعالیت را سخت کند، مخل آزادی اقتصادی تلقی می شود. می توان به عنوان گام نخست مشکلات این حوزه را برجسته ساخت. البته با توجه به اینکه جدیدترین اطلاعات مربوط به سال ۲۰۱۴ درخصوص بهبود فضای کسب و کار ارایه شده است نخست شرح مختصری از مهمترین بخش ارتباطی فضای کسب و کار با آزادی اقتصادی یعنی تجارت فرامرزی ارایه می شود.

پایش وضعیت ایران در شاخص تهسیل تجارت فرامرزی

یکی از مهمترین شاخصهای دهگانه فضای کسب و کار، شاخص تجارت خارجی است که در فاصله سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ وضعیت رتبه ایران در شاخص تجارت فرامرزی در شرایط ثبات نسبی قرار داشته و حتی در سال ۲۰۱۱ با بهبود اندکی نیز نسبت به سال قبل مواجه شد. از سال ۲۰۱۱ به بعد رتبه ایران در شاخص تجارت فرامرزی به شدت بالا رفت. بطوریکه، با ۲۲ پله سقوط از رتبه ۱۳۱ در سال ۲۰۱۱ به رتبه ۱۵۳ در سال ۲۰۱۴ رسیده است. این مسأله ناشی از عدم توجه کافی به بهبود فرآیندهای صادرات و واردات است. بررسی امتیازات نشان می دهد که در

سالهای اخیر اقدامات مثبت قابل توجهی که منجر به بهبود رتبه ایران در این خصوص شود صورت نگرفته است.

آمارهای مربوط به زیرشاخصهای تجارت فرامرزی نشان میدهد مدارک مورد نیاز برای انجام فرآیندهای واردات و صادرات در طول دوره مورد بررسی ثابت بوده و هیچگونه تغییری نکرده است. بطور مشخص در ۹ سال اخیر اقدامی در خصوص کاهش مدارک مورد نیاز و در نتیجه بهبود شاخص تجارت فرامرزی صورت نگرفته است. زمان مورد نیاز برای انجام یک عمل صادراتی نیز نسبتاً ثابت بوده و فقط با کاهش یک روزه طی چهار سال مواجه بوده است. البته در زمینه واردات کاهش قابل توجهی به میزان ۲۱ درصد در زمان انجام این فرآیند از سال ۲۰۱۱ تا سال ۲۰۱۳ ملاحظه می شود که به نظر می رسد نصب اسکنرهای بندر شهید رجایی و نیز ساماندهی بازرسی های دفاتر ترخیص کالا در سال ۲۰۱۰ در این امر موثر بوده است. البته این زمان مجدداً در سال ۲۰۱۴ افزایش یافت و به ۳۷ روز رسید. هزینه های صادرات و واردات بر خلاف مدارک و زمان مورد نیاز برای این فرآیندها، نه تنها دارای ثبات نیست بلکه از روند افزایشی مداومی پیروی میکند. اگرچه، هزینه صادرات و واردات در سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ ثابت بودند، از سال ۲۰۰۸ به بعد شدیداً افزایش یافته است. هزینه واردات با حدود ۶۰ درصد افزایش از ۱۳۳۰ دلار به ۲۱۰۰ دلار و هزینه صادرات با حدود ۷۰ درصد افزایش از ۸۶۰ دلار به ۱۴۷۰ دلار در سالهای ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ رسیده است (البته این امر در ارتباط با تحریم نیز قرار دارد).

فرآیند واردات بیش از ۴۰ درصد نسبت به صادرات هزینه بر بوده و همچنین حدود ۴۰ درصد نیز به زمان بیشتری احتیاج دارد. ضمن آنکه تعداد مدارک بیشتری نیز در این خصوص مورد نیاز است. با توجه به شرایط اقتصادی که در سال های اخیر در کشور حاکم است، از جمله اجرای فاز اول هدفمندی یارانه ها و نیز اعمال تحریمهای بی نالمللی علیه کشورمان، این افزایش در هزینه ها امری اجتناب ناپذیر است. عوامل یادشده سبب شد وضعیت زیرشاخص های مذکور تا حدی نامطلوب تر شود و در نهایت منجر به تنزل رتبه ایران در شاخص تجارت فرامرزی شود.

مشکلات کشور در حوزه فضای کسب و کار

برای این منظور از جدیدترین استعلامات از سازمان های صنعت، معدن و تجارت برای مشکلات این حوزه با تأکید بر قوانین و مقررات محل استفاده شده است. مهمترین مشکلات یادشده را می توان به شرح زیر ارایه کرد:

- عدم امکان صدور پروانه بهره‌برداری بنام اشخاص حقیقی که خود مانع ورود این افراد به صحنه تولید خواهد شد (حقوق مالکیت).
- ثبت سرمایه‌گذاری انجام شده در اصلاح پروانه بدون در نظر گرفتن سرمایه قبلی که این امر می‌تواند محدودیت‌هایی را در فعالیت‌های
- واحدهای اقتصادی بوجود آورد (مخالف با سایر کشورها در ارایه حداقل سرمایه).
- عدم تمایل بانک‌ها به رعایت مصوبه دولت یازدهم در خصوص نرخ گشایش اعتبارات اسنادی
- پرداخت درصدی از پروفیما به سازمان استاندارد صنعتی جهت ورود ماشین‌آلات برای تولیدات داخلی با استاندارد اجباری (آزادی مالی).
- ممنوعیت اقلامی جهت صادرات که در مصوبه اخیر دولت مقرر شد مورد بازنگری قرار گیرد (آزادی تجاری).
- محدودیت احداث صنایع در حریم ۱۲۰ کیلومتری شهرها که عملاً مانع از شکلگیری همه تصمیمات منجر سرمایه‌گذاری می‌شود (آزادی سرمایه‌گذاری).
- عدم تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار که خود موجب سردرگمی فعالان اقتصادی شده است (کارایی مقررات تنظیمی).
- سردرگمی و اخلال در خدمات از سوی دستگاه‌های اجرایی به واحدهای تولیدی و صنعتی با انتزاع فعالیت‌های کشاورزی از وزارت صنعت، معدن و تجارت (حاکمیت قانون).
- مشکلات واحدهای اقتصادی با قانون اخذ استعلام سه‌گانه بیمه‌ای، مالیاتی و بانکی (مصوبه شماره ۲۵۰۸۹۳ مورخ ۱۳۹۰ / ۱۲ / ۱ تسهیل فضای کسب و کار)
- اخذ تعهدنامه محضری شرکت شهرک‌های صنعتی برای راهاندازی طرح‌های نیمه تمام تا مدت ۶ ماه (حقوق مالکیت)؛
- عدم تخصیص سهم بخش تولید از وجوه خالص اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها (آزادی مالی و دولت محدود)
- تعدد استعلامات جهت صدور جواز تاسیس، تغییر نام جواز تاسیس و پروانه بهره‌برداری بسیار بالا است (آزادی کسب و کار)
- علی‌الرأس بودن مالیات‌ها و واحدهای تولیدی (آزادی مالی)

- تداخل قوانین و مقررات با یکدیگر مانند ماده ۱۰ قانون ثبت ارقام گیاهی و کنترل و گواهی بذر و نهال (صادرات منوط به اخذ گواهی)
- خلاء قانونی در حفظ حقوق مکتسب سرمای هگذاران خارجی در کشور با افزایش محدودیت هایی صادراتی و وارداتی کارایی مقررات تنظیمی
- اعمال محدودیت در فعل صادرات از حوزه هایی غیر از وزارت صنعت، معدن و تجارت با توجه به قوانین موضوعه در این بخش بسیار به چشم می خورد
- عدم وجود حقوق مالکیت معنوی درخصوص تجارت کالاها (به ویژه درخصوص کالاهایی با سطح فناوری بالا)
- عدم توجه به خدمات پس از فروش در بازارهای صادراتی
- مداخلات فراوان بخش دولتی در بخش های مختلف که اثرات بالایی در بخش های تجاری ب هویژه صادرات (صادرات محصولات تحت حمایت دولت) دارد. عمده این دخالتها در قالب حمایت های قیمتی صورت می پذیرد که می توان مهمترین آن ها را به شرح زیر ارایه کرد:

۱. تخفیف و معافیت های مالیاتی
۲. حمای تهای گمرکی در واردات
۳. خریدهای دولتی
۴. تعیین قیمت های سقف و کف
۵. تخصیص تسهیلات با نرخ پایین
۶. تخصیص زمین ارزان قیمت
۷. تخفیف یا معافیت بهای خدمات عمومی و زیربنایی نظیر آب، برق و..
۸. تامین مواد اولیه با قیمت ارزان
۹. مشوق های صادراتی
۱۰. فقدان سیاست های بخش صادرات متناسب با نوع کالاها

گزارش سال ۲۰۱۳ بنیاد هریتیج از وضعیت شاخص آزادی اقتصادی در ایران دربردارنده نکاتی از علل پایین بودن شاخص در کشور است که اهم آن عبارتند از:

- در بخش تجاری، در حال حاضر ۱۵ طبقه تعرفه ای وجود دارد که از ۲ درصد شروع و به ۱۰۰ درصد ختم می شود (این طیف در دوسال گذشته از ۴ تا ۴۰۰ درصد برای ۷۰ طبقه بود). با اینحال رقم تعرفه ای ۱۰۰ درصد رقمی بسیار بالا و مخل فعالیت آزادانه اقتصادی محسوب می شود.

- ورود و صدور کالا به کشور نیازمند مجوزهای متعدد از نهادهای گوناگون است. ب. ه عنوان مثالی بر این موضوع خاطر نشان می سازد که اخیرا وزارت جهاد کشاورزی طی نامه ای صادرات گیاهان دارویی از کشور را با مجوز این وزارتخانه مجاز دانسته است در محدودیت های بخش فضای کسب و کار، ارایه مدرکی از سوی متقاضیان ثبت شرکت ها مبنی بر عدم سابقه کیفری در ترخیص کالا از گمرک به عنوان مانع ذکر شده است که این امر صحیح نیست و نیاز است با دادن اطلاعات صحیح این بخش در اطلاعات ایران تصحیح شود.

۱. دخالت بالای دولت در تنظیم رفتار بخش خصوصی در بازار؛
۲. رشد سریع قیمتتها و نوسان آن ها و محدود کردن توسعه فعالیت بخش خصوصی با تخصیص اعتبارات و مؤلفه های غیربازاری موثر در عملکرد آن ها؛
۳. احتمال بالای مصادره اموال توسط دولت؛
۴. فساد در فعالیتهای دولتی؛
۵. پایین بودن سهم مالیات بر تولید ناخالص داخلی؛
۶. وابستگی بالا به درآمد های نفتی؛
۷. بالا بودن زمان اخذ مجوزهای مورد نیاز برای راهاندازی کسب و کارها و هزینه های مورد نیاز برای آن ها؛
۸. بالا بودن تعداد مجوزهای لازم در فرآیند آغاز کسب و کار؛
۹. بازار کار غیرقابل انعطاف و تشدید آن توسط دخال تهای دولت؛
۱۰. وجود نظام چندگانه ارزی؛
۱۱. بالا بودن نرخ تعرفه؛
۱۲. تعدد موانع غیرتعرفه ای؛

- ۱۳.تنظیم شدن سرمایه گذاری توسط دولت؛
- ۱۴.ممنوعیت سرمای هگذاری در برخی از حوزه ها؛
- ۱۵.مالکیت بالای دولت بر نظام بانکداری ؛
- ۱۶.هدایت فرآیند تخصیص اعتبارات توسط دولت؛

جمع بندی و پیشنهادها

آزادی اقتصادی شرایطی است که در آن افراد مادامیکه به دنبال معیشت اقتصادی خود و کسب مالکیت بیشتر هستند می توانند با اختیار خود عمل کنند .معروف ترین شاخص های آزادی اقتصادی در جامع بین الملل شامل « شاخص آزادی اقتصادی جهان » مربوط به مؤسسه فریزر و شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج است .امتیاز کشور در شاخص آزادی اقتصادی در سال ۲۰۱۰ و پیش از تشدید تحریمهای جدید ۶ / ۲۶ بود که این امتیاز در سال ۲۰۱۳ به ۰۵ / ۶ کاهش یافته است .رتبه ایران نیز با ۱۶ پله نزول از ۱۱۱ به ۱۲۷ رسیده است .در شاخص آزادی اقتصادی متوسط نمره ایران در سال ۲۰۱۳ معادل ۴۳ / ۲ است که با این احتساب جایگاه کشور تنها ۶ رتبه با پایین تر کشور دنیا فاصله دارد ۱۶۸ (از ۱۷۴ کشور).

در خلال سال های ۲۰۱۲ - ۲۰۱۳ کشورها تغییرات زیادی را در شاخص آزادی اقتصادی تجربه کرده اند .برخی از کشورها با رشد شاخص آزادی اقتصادی روبرو شدند که کشورهایی گرجستان با ۱۳ پله، هندوستان با ۱۱ پله، آلمان و فیلیپین با ۱۰ پله و ترکیه با ۴ پله از جمله مهمترین این تغییرات به شمار می روند .حوزه تامین مالی، حقوق مالکیت، فساد، پایداری مالی بیشترین تأثیر را بر رشد شاخص آزادی اقتصادی در کشورهای دارای بیشترین جهش داشته است .براساس بررسی صورت گرفته می توان توصیه های زیر را در راستای بهبود شاخص آزادی اقتصادی در کشور مطرح ساخت:

۱. کاهش پیچیدگی و هزینه های فرآیندهای تنظیمی

- تسهیل ثبت سفارش، ارایه مستندات و ترخیص کالاها از مرزها در گمرکات با راه اندازی پنجره واحد تجاری و تأکید بر الکترونیکی شدن فرآیندها (این مورد در در بند ۸) مصوبه شماره ۱۱۸۳۲۲ مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۱ هیات وزیران مصوب شد اما باید اراده جدی وزیرساخت های لازم برای دستیابی به آن به وجود آید)
- رفع مشکلات واحدهای اقتصادی در ارتباط با استعلام سه گانه بیمه ای، مالیاتی و بانکی (وبه شماره ۲۵۰۸۹۳ مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۱ تسهیل فضای کسب و کار)
- کاهش تعداد استعلامات جهت صدور جواز تاسیس، تغییر نام جواز تاسیس و پروانه صنعتی (ضرورت بازنگری ابلاغیه جدید به شماره ۱۶۱۳۸۳ مورخ ۱۳۹۲/۷/۱۸)
- کاهش زمان و تعداد فرآیند دستیابی به خدمات زیربنایی برای راه اندازی کسب و کارها؛
- کاهش هزینه های مربوط به خدمات دولتی و هزینه های مرتبط با قوانین و مقررات راه اندازی کسب و کار (همانند پرداخت درصدی از پروفرما به سازمان استاندارد جهت ورود ماشین آلات مورد نیاز تولید)؛
- الزام بانک ها به رعایت بخشنامه های بانک مرکزی مبنی بر کاهش نرخ گشایش اعتبار اسنادی؛
- راه اندازی و توسعه سیستمهای الکترونیکی برای تسهیل پرداخت مالیات؛
- کاهش موانع وارداتی اعم تعرف های و غیرتعرفه ای (مانند وضع عوارض بر صادرات قیر و روغن موتور در حالیکه طبق طبقه بندی جزء صادرات غیرنفتی هستند و معاف از عوارض)
- سرعت بخشیدن به ثبت اموال و دارایی های قابل انتقال با اصلاح سامانه سازمان ثبت اسناد کشور و مجهز کردن آن ها به ابزارهای الکترونیکی؛
- مبارزه با رشوه خواری و تسریع در ارایه خدمات دولتی؛
- ارایه خدماتی از سوی وزارت جهاد کشاورزی به واحدهایی که پس از طرح انتزاع باید از این وزارتخانه خدمات دریافت کنند.

۲. تقویت نهادهای قانونی

- بازنگری ممنوعیت اقلام صادراتی
- کاهش سرمایه اولیه برای راه اندازی فعالیت های کارآفرینی؛

- گسترش طیف دارایی های قابل انتقال به عنوان وثیقه بانکی در دریافت تسهیلات؛
- تدوین قانون حمایت از حقوق مالکیت؛
- ایجاد انعطاف پذیری در ساعات کار و محدود کردن دخالت دولت در بازار کار؛
- امکان صدور پروانه بهره برداری بنام اشخاص حقیقی؛
- تدوین تمام آیین نامه های اجرایی قانون بهبود مستمر فضای کسب و کار؛ ثبت سرمایه گذاری انجام شده در اصلاح پروانه با در نظر گرفتن سرمایه قبلی؛
- بازنگری ضوابط و معیارهای استقرار صنایع و در صورت نیاز اصلاح آن؛
- رفع تداخل قوانین و مقررات در فعل واردات و صادرات
- رفع خلاء قانونی در حفظ حقوق مکتسب سرمای هگذاران خارجی در کشور با افزایش محدودیت هایی صادراتی و وارداتی؛
- ساماندهی خدمات پس از فروش در بازارهای صادراتی؛
- برنامه ریزی برای کاهش مداخلات قیمتی و غیرقیمتی دولت در بازار؛
- برنامه ریزی برای کاهش تعرفه ها و حضور رقبای خارجی در کشور؛
- مهار تورم با هماهنگی سیاست های پولی، مالی و ارزی؛
- کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و توسعه صادرات غیرنفتی؛
- برقراری نظام تک نرخ ارز؛
- رفع ممنوعیت سرمایه گذاری در حوزه های اقتصادی؛
- کاهش سهم دولت در نظام بانکداری و ایجاد زمینه های لازم برای حضور بانک های خارجی در کشور؛
- کاهش نقش دولت در هدایت منابع مالی؛
- کاهش کسری بودجه و بدهی دولتی و ارتقاء سهم مالیات از تولید ناخالص داخلی؛
- مقابله با فساد دولتی و کاهش بروکراسی اداری؛
- مبارزه با قاچاق کالا.

منابع: گزارش ۱۲۲ تحلیل اطلاعات بازار مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۹۲،